

کامران هاشمی<sup>۱</sup>

## حق اقلیت‌ها در حفظ هویت و تجربه مسلمانان

### چکیده

این مقاله به مفهوم حق برخورداری اقلیت‌ها از هویت فرهنگی‌شان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌پردازد. آنگاه موضوع تجربه تاریخی مسلمانان را در شناسایی این حق مورد توجه قرار می‌دهد. تجربه مسلمانان در این زمینه برگرفته از حقوقی است که از دیرباز برای اقلیت‌های عمده مذهبی قائل شده‌اند که یکی شناسایی رسمی این اقلیت‌ها و دیگری پذیرش یک نوع خودمختاری، به‌ویژه خودمختاری قضایی برای آنها در برخی امور داخلی و نیز قوانین خانواده بوده است.

### واژگان کلیدی

هویت، ویژگی‌ها، ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اقلیت‌ها، اقلیت‌های مذهبی، کشورهای مسلمان.

## ۱. مقدمه

در اسناد بین‌المللی حقوق بشری تعریف مشخصی از فرهنگ، هویت، حق برخورداری از هویت، و حق برخورداری از فرهنگ وجود ندارد. با این وجود این اسناد در کنار عنصر «مساوات» و «عدم تبعیض»، مسأله «حفظ هویت» را به‌عنوان سنگ بنای اصلی سیستم حمایت از حقوق اقلیت‌ها مورد توجه قرار داده‌اند. عناصر مساوات و حفظ هویت در رای مشورتی ۱۹۳۵ دیوان دائمی دادگستری پیرامون مدارس اقلیت آلبانیایی با عباراتی به شرح ذیل مورد تأکید قرار گرفت:

«دیدگاهی که در معاهدات مربوط به اقلیت‌ها مورد تأکید قرار داشت آن بود که برای اقلیت‌ها امکان یک زندگی صلح آمیز در کنار اکثریت فراهم باشد و در عین حال ویژگی‌های آنها نیز حفظ شود. برای دستیابی به این منظور مشخصاً دو موضوع دارای ضرورت بود. اول آنکه اعضای اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی می‌بایست در همه زمینه‌ها از شرایط کاملاً مساوی با دیگر ملیت‌های داخل کشور برخوردار باشند. دوم آنکه می‌بایست برای اعضای اقلیت ابزار مناسب جهت حفاظت از ویژگی‌ها و سنت‌هایشان فراهم آید.»<sup>(۱)</sup>

این مقاله به مفهوم حق برخورداری اقلیت‌ها از هویت فرهنگی‌شان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌پردازد. آنگاه موضوع تجربه تاریخی مسلمانان را در شناسایی این حق مورد توجه قرار می‌دهد. تجربه مسلمانان در این زمینه برگرفته از حقوقی است که از دیرباز برای اقلیت‌های عمده مذهبی قائل شده‌اند که یکی شناسایی رسمی این اقلیت‌ها و دیگری پذیرش یک نوع خودمختاری، به‌ویژه خودمختاری قضایی برای آنها در برخی امور داخلی و نیز قوانین خانواده بوده است.

در حالی که هر دو این تجارب بین غیرمسلمانان بسیار نادر و یا در قرون اخیر در قالب عمل متقابل دولت‌ها با یکدیگر بوده است، در میان مسلمانان این دو پدیده از سابقه‌ای

طولانی به قدمت ۱۴ قرن برخوردار می‌باشد. این مقاله ضمن این که شناسایی اقلیت‌ها و نیز ارایه هر نوع خودمختاری به اقلیت‌ها در امور داخلی را فی نفسه امری مثبت ارزیابی می‌نماید بدین نکته نیز توجه خواهد داشت که این دو اقدام برای سایر اقلیت‌هایی که به رسمیت شناخته نشده‌اند تبعیض‌آمیز نباشد و یا عواقب منفی دیگری به همراه نداشته باشد.

## ۲. تعریف اقلیت در حقوق بین‌الملل

جامعه بین‌الملل در تعریف اقلیت به اجماعی دست نیافته است. در همین ارتباط با عنایت به مشکل بودن تعریف مذهب، ارایه تعریفی از اقلیت‌های مذهبی، امری به مراتب مشکل‌تر می‌باشد. مع الوصف برخی تعاریف از اقلیت‌ها ارائه شده‌اند که اگرچه بطور اجماع مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند، می‌توان از آنها به‌عنوان تعاریف کاربردی در این مقاله استفاده نمود. یکی از این تعاریف از سوی دیوان دائمی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۳۵ ارائه شده است و تمرکز آن بر حفاظت از سنت‌های اقلیت‌ها می‌باشد:

«حضور یک گروه از افراد در یک کشور یا منطقه، گروهی برخوردار از نژاد، مذهب، زبان، و سنت‌های مشترک، همراه با یک احساس همبستگی برای حفاظت از سنت‌ها، پاسداری از شکل عبادت، مصون داشتن تعالیم و تربیت فرزندانشان منطبق با معنویات و سنن نژادیشان، و در مساعدت مستمر دو جانبه با یکدیگر...» (۲)

تعریف دیگر اقلیت که به‌طور گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گرفت، در سال ۱۹۷۷ از سوی کاپوتورتی، گزارشگر ویژه کمیته فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها و در سندی با عنوان «مطالعه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی» ارائه گردید. کاپوتورتی که بنیان‌های تعریف خود را بر تعریف فوق‌الاشعار دیوان قرار داده «تفاوت ویژگی‌های افراد یک اقلیت از سایر افراد جامعه» را به‌عنوان عنصر اصلی تعریف خود ارائه می‌نماید:

«گروهی که از نظر تعداد در مرتبه پایین تری از دیگر جمعیت یک کشور بوده، در موضع قدرت قرار نداشته، اعضای آن برخوردار از ویژگی های نژادی، مذهبی و یا زبانی متفاوت از سایر افراد جامعه هستند، و در عین حال، اگرچه به صورت تلویحی، یک نوع احساس همبستگی در جهت محافظت از فرهنگ، سنن، مذهب و زبانشان از خود نشان می دهند».<sup>(۳)</sup>

### ۳. موضوع هویت در معاهدات بین المللی حقوق بشری

اشاره صریح به «هویت» در چهار معاهده بین المللی حقوق بشری مشاهده می شود. بر اساس ماده (۱) ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک، دول عضو کنوانسیون توافق دارند که آموزش کودک می بایست در جهت «ارتقای احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی وی ... و زبان و ارزش های ملی کشوری که کودک در آن زندگی می کند، کشوری که کودک اصالتاً به آنجا تعلق دارد...».<sup>(۴)</sup> این ماده البته به کودکان گروه اقلیت مربوط نیست بلکه کودکان گروه اقلیت و اکثریت، هر دو را مورد توجه قرار می دهد.

دیگر معاهدات بین المللی مشخصاً موضوع هویت سه گروه مختلف اقلیت را مورد توجه قرار داده اند که عبارتند از مردمان بومی و قبیله ای، کارگران مهاجر، و اقلیت های ملی. مقدمه کنوانسیون (شماره ۱۶۹ سال ۱۹۹۱) سازمان بین المللی کار در مورد مردمان بومی و قبیله ای در کشورها ی مستقل «آرمان این افراد برای اعمال کنترل بر موسسات وابسته به خودشان، راه های زندگی و توسعه اقتصادیشان، و محافظت و ارتقای هویت ها، زبان ها، و مذاهب آنها، را در محدوده کشوری که در آن زندگی می کنند»<sup>(۵)</sup> به رسمیت شناخته است. ماده ۲ این کنوانسیون تأکید می نماید که دولت ها در حمایت از مردمان بومی می بایست اقداماتی را «برای ارتقای شناسایی کامل حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این مردمان، با احترام به هویت اجتماعی و فرهنگی آنها، رسوم و سنت های آنها، و مؤسسات آنها» صورت دهند.<sup>(۶)</sup> کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده های آنها نیز در سه ماده خود اشارات روشنی به هویت فرهنگی دارد:

ماده (۱) ۱۷- با کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها که از آزادی خود محروم شده‌اند می‌بایست با منشی انسانی و با احترام نسبت به کرامت ذاتی فرد بشری و، نسبت به هویت فرهنگی‌شان رفتار شود.

ماده (۱) ۳۱- دولت‌ها می‌بایست احترام به هویت فرهنگی کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنان را ضمانت نمایند و نمی‌بایست از تداوم ارتباطات فرهنگی آنها با کشور اولیه شان ممانعت نمایند.

ماده (۲) ۳۱- دول عضو می‌بایست اقدامات متناسبی را برای حمایت و تشویق در این زمینه معمول دارند.<sup>(۷)</sup>

بالاخره ماده (۱) ۵- کنوانسیون چهار عنصر مذهب، زبان، سنت‌ها، و میراث فرهنگی را به‌عنوان عناصر اساسی هویتی اقلیت‌های ملی برشمرده است: «کشورهای عضو متعهد می‌شوند تا شرایط ضروری را برای تداوم و ارتقای فرهنگ افراد وابسته به اقلیت‌های ملی و محافظت از عناصر اصلی هویتی‌شان که عبارتند از مذهب، زبان، سنت‌ها و میراث فرهنگی‌شان فراهم آورند».<sup>(۸)</sup>

در کنار اسناد فوق تنها ماده تعهدآور در معاهدات بین‌المللی پیرامون حفظ ویژگی‌های اقلیت‌های مذهبی ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. براساس این ماده «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از اینکه مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خود بهره‌مند شوند، به دین خود اقرار نمایند و فزایض آن را به جای آورند، یا از زبان خود استفاده نمایند محروم نمود».<sup>(۹)</sup> این ماده بعداً با عبارات مشابهی به‌عنوان ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک به شرح ذیل تکرار شده است: «در کشورهایی که اقلیت‌های قومی و مذهبی و یا اشخاص بومی زندگی می‌کنند، کودکی که متعلق به این اقلیت‌ها است یا آنکه از مردمان بومی است را نمی‌بایست از این‌گونه همراه با سایر اعضای گروهش از فرهنگ خود برخوردار

باشد، به دین خود اقرار نماید و فرایض آن را به جای آورد، و یا اینکه از زبان خود استفاده کند، محروم نمود».<sup>(۱۰)</sup>

در نهایت لازم به ذکر است در اسناد مورد اشاره و سایر اسناد حقوق بشری تفاوتی در استفاده از واژه «ویژگی‌ها» و «هویت» دیده نمی‌شود و هر دو واژه به یک معنا بکار می‌روند. به‌عنوان مثال ماده ۱ اعلامیه حقوق افراد وابسته به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی، و زبانی از عبارت «هویت» استفاده کرده است<sup>(۱۱)</sup>، حال آنکه ماده ۴(۲) همان اعلامیه از عبارت «ویژگی‌ها» استفاده می‌کند.<sup>(۱۲)</sup> به همین شکل در حالی که رأی فوق‌الاشعار دیوان و تعریف کاپوتورتی به «ویژگی‌های اقلیت‌ها» اشاره می‌کنند، کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری شماره ۲۳ خود پیرامون ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، واژه «هویت» را بکار برده است.<sup>(۱۳)</sup> براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که هر دو عبارت به یک موضوع اشاره دارند و «حق برخورداری از هویت» معادل «حق برخورداری از ویژگی‌ها» است.

#### ۴. تعهد دولت‌ها در ارتباط با حق برخورداری اقلیت‌ها از هویت

در خصوص وظیفه دولت‌ها در حمایت از حقوق هویتی اقلیت‌ها کاپوتورتی اشعار می‌دارد: «هدف مورد نظر حفاظت و ارتقای طبیعی هویت فرهنگی اقلیت‌ها می‌باشد، بنابراین از دولت‌ها درخواست می‌شود تا هرگونه اقدامات ضروری را برای دستیابی بدین منظور به تصویب برسانند».<sup>(۱۴)</sup> کمیته حقوق بشر نیز در اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ خود بر تعهد دولت‌ها در تضمین وجود و اعمال حقوق هویتی اقلیت‌ها از طریق اقدامات ایجابی (تبعیض مثبت) تأکید می‌نماید:

«اگرچه ماده ۲۷ با عباراتی سلبی عنوان شده، این ماده وجود یک حق را به رسمیت شناخته است و ضرورت دارد که این حق مورد غفلت قرار نگیرد. براین اساس یک دولت ملزم می‌باشد تا وجود و اعمال این حق را در مقابل موارد اغماض و یا نقض آن، تضمین نماید. بدین ترتیب اقدامات ایجابی حمایتی برای این حقوق نه تنها در اقدامات خود دولت عضو، از

طریق مراجع ذریبط قانون‌گذار، قضایی و اجرایی آن ضرورت پیدا می‌کند، بلکه این اقدامات می‌بایست سایر افراد در حوزه دولت عضو را نیز شامل گردد. اقدامات ایجابی توسط یک دولت همچنین ممکن است برای حمایت از حقوق هویتی اقلیت‌ها برای بهره‌مندی آنها از فرهنگ و زبانشان و ارتقای آن و نیز اجرای فرایض مذهبشان، در همراهی با سایر اعضای گروه ضرورت پیدا کند»<sup>(۱۵)</sup>.

اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ در ادامه در مورد تعهدات دولت‌ها در حمایت از هویت فرهنگی، مذهبی و اجتماعی اقلیت‌ها بر ضرورت ذکر این اقدامات در گزارشات دوره‌ای کشورها پیرامون اجرای میثاق تأکید نموده، ادامه می‌دهد:

«ماده ۲۷ مربوط به حقوقی است که محافظت از آنها تعهدات خاصی را بر دولت‌ها تحمیل می‌نماید. این تعهدات در راستای تضمین حیات و ارتقای مداوم هویت فرهنگی مذهبی و اجتماعی اقلیت‌ها می‌باشد. براین اساس دول عضو متعهد هستند تا تضمین نمایند این حقوق به‌طور کامل مورد حمایت قرار گرفته و بر این اساس در گزارشات دوره‌ای خود اقداماتی را که در این راستا صورت داده‌اند ذکر نمایند»<sup>(۱۶)</sup>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همچنین ماده (۱) ۱۱ اعلامیه حقوق افراد وابسته به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی، و زبانی در زمینه حمایت از هویت فرهنگی اقلیت‌ها اشعار می‌دارد: «دولت‌ها می‌بایست برای دستیابی به این هدف نسبت به قانون‌گذاری و سایر اقدامات متناسب مبادرت ورزند»<sup>(۱۷)</sup>.

اعلامیه در ماده ۴ خود مجدداً بر این وظیفه دولت‌ها تأکید می‌ورزد: «دولت‌ها می‌بایست شرایط مناسبی را ایجاد نمایند تا در آن شرایط افراد متعلق به گروه‌های اقلیت بتوانند ویژگی‌های هویتی خود را بروز دهند و فرهنگ، زبان، مذهب، سنت‌ها و رسوم خود را ارتقا دهند»<sup>(۱۸)</sup>.

## ۵. کدام یک از اقلیت‌ها و کدام نوع از هویت‌ها: حوزه‌های همپوشانی در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

حوزه‌های همپوشانی گسترده‌ای در اشکال مختلف هویت وجود دارند. به‌عنوان مثال در ارتباط با «هویت مذهبی» زمانی که صحبت از مذهب اسلام می‌شود، هویت مذهبی بعضاً با هویت نژادی جنبه‌های مشترک پیدا می‌کند. در این ارتباط براساس قانون اساسی مالتزی «مالائی کسی است که به مذهب اسلام اقرار دارد، عادتاً به زبان مالائی صحبت می‌کند و سنن مالائی را رعایت می‌نماید»<sup>(۱۹)</sup> به همین شکل در بسیاری از کشورهای مسلمان و نیز کشورهای غیر مسلمان، مذهب به‌عنوان یکی از عناصر مهم هویت ملی یا فرهنگی شناخته می‌شود. مثلاً در ایران مذهب شیعه و در ایرلند مذهب کاتولیک از عناصر مهم هویت ملی تلقی می‌شوند.

در مصر مکرم عبید یکی از رهبران قبطی مسیحی عنوان می‌داشت «مسیحیت مذهب من، اما اسلام فرهنگ من است»<sup>(۲۰)</sup>. با این وجود برخلاف نظر قبطیان مصر و یا مسیحیان شمال سودان، مدتی است مسیحیان جنوب سودان در چند دهه اخیر در یک درگیری اقلیت - اکثریت و یا یک درگیری جنوب - شمال با مسلمانان قرار دارند. آنگونه که رنان نتیجه‌گیری کرده است، این درگیری در واقع یک درگیری بین هویت‌های مختلف می‌باشد:

«این درگیری ماهیتاً یک نزاع بین دو جامعه کاملاً متفاوت که هویت کشور سودان را تشکیل می‌دهند می‌باشد... شاید بتوان آن را به مبارزه آفریقاگرایی و عربیسم تعبیر کرد. در هر حال عناصر مذهبی هویت در این میان نقش محوری ایفا می‌کنند»<sup>(۲۱)</sup>.

به همین ترتیب مدتی است اقلیت‌های مسلمان در انگلستان برای اینکه به‌عنوان یک اقلیت مذهبی به رسمیت شناخته شوند در حال مبارزه هستند. این در حالی است که قانون نژادی ۱۹۷۹ آن کشور فقط یهودیان و سیک‌ها، و نه اعضای دیگر اقلیت‌های مذهبی و نژادی،



را به‌عنوان تنها گروه‌های اقلیت نژادی تحت حمایت خود قرار داده است.<sup>(۲۲)</sup> به همین شکل مشخص نیست آیا یهودیان اروپا یک اقلیت نژادی هستند یا یک اقلیت مذهبی و یا هر دو. همین همپوشانی در ارتباط با بوسنیایی‌ها نیز وجود داشته است به شکلی که دیوان کیفری یوگسلاوی سابق در اینکه قربانیان نسل‌کشی را «مسلمانان» یا «مسلمانان بوسنی» یا «بوسنیایی» بخواند در شک و تردید بود.<sup>(۲۳)</sup> دینشتاین اظهار می‌دارد:

«یک اقلیت مذهبی ممکن است همزمان به‌عنوان یک اقلیت نژادی یا زبانی نیز محسوب گردد. حتی زمانی که یک اقلیت مشخصاً مذهبی را در نظر داریم، یعنی گروهی که مثل کاتولیک‌های انگلستان فقط از نظر اعتقادات مذهبی با اکثریت متفاوت می‌باشند، نباید از ارتباط بین مذهب و فرهنگ غافل بمانیم<sup>(۲۴)</sup>».

شاید توجه است در حالی که اقلیت‌های ملی موضوع اصلی رای دیوان دائمی دادگستری بودند، این اقلیت‌ها و موضوع هویت ملی به صراحت در فهرست انواع اقلیت‌ها در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی گنجانیده نشده‌اند. موضوع مردمان بومی نیز در فهرست انواع اقلیت‌ها در این ماده گنجانیده نشده و موضوع بومیان و هویت آنان بعداً در سایر اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفت. در این میان آنچه مهم است آنکه تفکیک میان انواع مختلف اقلیت‌ها نیز کار ساده‌ای نیست. کاپوتورتی در این خصوص اظهار می‌دارد:

«خط تفکیک بین فرهنگ و زبان و در میزانی کمتر بین فرهنگ و مذهب به آن شکلی که در ابتدا به نظر می‌رسد روشن نیست. براین اساس برخی از جنبه‌های حقوق مربوط به فرهنگ، نه تنها به اعضای اقلیت‌های نژادی، بلکه به اعضای اقلیت‌های زبانی و مذهبی نیز مربوط می‌شود.»<sup>(۲۵)</sup>

به همین شکل در ماده (آ) ۵ کنوانسیون شماره ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار، اعمال و ارزش‌های «اجتماعی»، «فرهنگی»، «مذهبی» و «معنوی» مردمان بومی از یکدیگر تفکیک

نشده اند. در این ماده آمده است: «اعمال و ارزش های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، و معنوی این مردمان می بایست به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گیرند.»<sup>(۲۶)</sup>

از سوی دیگر در حالی که درک عبارت «استفاده از یک زبان» امر ساده ای به نظر می رسد، درک مناسب از دو عبارت دیگر در ماده ۲۷ یعنی «حق اقرار به یک مذهب و انجام فرایض آن» و نیز «حق بهره مند شدن از یک فرهنگ» امر ساده ای نیست. برای شناخت بهتر از این دو حق لازم است موضوع فرهنگ و هویت فرهنگی مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

## ۶. فرهنگ یا هویت فرهنگی

تقریباً همزمان با تصویب میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه سال ۱۹۶۶ اصول یونسکو در مورد همکاری های بین المللی فرهنگی به تصویب رسید. ماده ۱ این اعلامیه با عبارتی صریح، ارزش های همه فرهنگ ها و وظیفه و حق همه مردم در ارتقای فرهنگ خود را به رسمیت می شناسد. ماده مذکور به شرح ذیل می باشد:

۱. هر فرهنگ از کرامت و ارزشی برخوردار است که می بایست مورد احترام و محافظت قرار گیرد.

۲. هر فردی حق و وظیفه دارد که فرهنگ خود را ارتقا دهد.

۳. با توجه به غنایی که در تنوع و تفاوت فرهنگ ها وجود دارد و با عنایت به نفوذ متقابل آنها بر یکدیگر، همه فرهنگ ها بخشی از میراث مشترک بشری را که به تمام بشریت تعلق دارد شکل می دهند.<sup>(۲۷)</sup>

با وجود شناسایی حق بهره مند شدن از فرهنگ، حقوق فرهنگی و یا حق بر فرهنگ در اسناد بین المللی حقوق بشری، عناصر این حق یا حقوق مشخص نمی باشند. مثلاً مواد ۱۳ الی ۱۵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تنها به حق آموزش اشاره می کنند.<sup>(۲۸)</sup> در این مورد تورنبری اظهار می دارد: «اسناد حقوقی معاصر تعریفی از فرهنگ ارائه

نمی‌نمایند. نقش این اسناد در تبیین معنای فرهنگ، با در نظر گرفتن زمینه‌های معاصر آن، محدود می‌باشد. اگر چه این اسناد به اهمیت آموزش به‌عنوان لازمه هر فرهنگ اشاره دارند» (۲۹).

به همین شکل، درحالی که کمیته حقوق بشر در اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ فوق‌الاشعار اظهار می‌دارد که فرهنگ‌ها در اشکال مختلف بروز و ظهور می‌یابند، تنها بخشی از فرهنگ که مورد اشاره کمیته قرار می‌گیرد حق مردمان بومی در ارتباط با زمین است: «یک راه مشخص زندگی، به‌ویژه در ارتباط با مردمان بومی، به استفاده آنها از منابع زمین پیوند خورده است. این حق ممکن است برخی از فعالیت‌های سنتی همچون ماهیگیری، شکار و یا حق زندگی بر ذخایری که توسط قانون حمایت شده است را شامل گردد» (۳۰).

به‌عنوان نتیجه‌گیری این بخش می‌توان عنوان نمود در میان انواع مختلف اقلیت‌ها همچون اقلیت‌های نژادی، مذهبی، زبانی و ملی حوزه‌های مختلف همپوشانی وجود دارد به گونه‌ای که نمی‌توان این انواع را به راحتی از یکدیگر تفکیک نمود. به همین شکل تفکیک عناصر مختلف حقوق اقلیت‌ها در برخورداری از هویت، همچون حق بهره‌مند شدن از فرهنگ با حق اقرار به یک مذهب و عمل به فوایض آن به راحتی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

#### ۷. تفکیک بین حق برخورداری از هویت با اصل عدم تبعیض

در بررسی حقوق اقلیت‌ها باید توجه داشت با وجود ارتباط دو عنصر «عدم تبعیض» و «حق برخورداری از هویت» می‌بایست دقت کافی مبذول داشت تا این دو کاملاً از یکدیگر منفک باشند. در گزارشات دوره‌ای کشورهای به کمیته حقوق بشر در مورد اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملاحظه می‌شود بسیاری از دولت‌ها در ارتباط با اجرای ماده ۲۷ میثاق تنها به تعهدات خود مبنی بر اصل عدم تبعیض فی‌مابین اعضای اقلیت و دیگر افراد اکثریت بسنده کرده و یا آنکه موضوع حق هویت اقلیت‌ها را از موضوع عدم تبعیض تفکیک ننموده‌اند. حال آنکه رعایت عدم تبعیض در واقع موضوع مواد (۱) ۲ و ۲۶ میثاق می‌

باشد و تنها می‌تواند به‌عنوان مقدمه‌ای لازم برای رعایت حقوق اقلیت‌ها در برخورداری آنها از هویت‌شان مطرح باشد. کمیته حقوق بشر در اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ در مورد این نقیصه عنوان داشته است:

«میثاق همچنین بین موضوع حقوقی که تحت ماده ۲۷ می‌بایست مورد حمایت قرار گیرد با حقوقی که می‌بایست تحت مواد ۲(۱) و ۲۶ مورد حمایت قرار گیرد تفکیک قائل شده است. موضوع ماده ۲(۱) مربوط به بهره‌مند شدن از کلیه حقوق مندرج در میثاق بدون تبعیض نسبت به همه افراد در داخل سرزمین و یا در حوزه قضایی یک دولت می‌باشد، چه این افراد در زمره اعضای اقلیت باشند یا نباشند. همچنین حقوق مندرج در ماده ۲۶ در مورد مساوات در مقابل قانون و حمایت مساوی قانون از همه افراد و عدم تبعیض در قبال حقوق و تعهداتی که در این زمینه بر دولت تحمیل شده است می‌باشد. این ماده بر اعمال کلیه انواع حقوق اشراف دارد، چه این حقوق در میثاق مورد توجه قرار گرفته باشند یا نباشند. دولت‌ها براساس قانون ملزم هستند تا این حقوق را نسبت به افراد ساکن در قلمرو و یا حوزه قضائیشان اعمال نمایند، چه این افراد از اعضای گروه‌های اقلیت موضوع ماده ۲۷ باشند یا نباشند. برخی دولت‌ها که در گزارشات دوره‌ای خود تحت ماده ۲۷ مدعی می‌شوند بر پایه‌های نژادی، زبانی و یا مذهبی تبعیضی را روا نمی‌دارند به اشتباه تنها به موضوع عدم تبعیض بسنده کرده‌اند، گویی که اصلاً اقلیتی ندارند»<sup>(۳۱)</sup>.

۸. حقوق برخورداری از آزادی مذهبی یا حقوق برخورداری از هویت مذهبی؟  
تفکیک بین قلمرو ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد حقوق مذهبی با قلمرو ماده ۲۷ در مورد حقوق هویتی اقلیت‌ها

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ کمیته حقوق بشر اشعار می‌دارد حق اقلیت‌ها در برخورداری از هویت، ملحوظ در ماده ۲۷ میثاق «نباید با سایر حقوق

ملحوظ در دیگر مواد میثاق مخلوط گردد». از سوی دیگر می‌توان عنوان داشت ماده ۲۷ همچنین سعی نموده است به شکلی سه نمونه از عناصر هویتی اقلیت‌ها، یعنی حق بهره‌مندی از فرهنگ، حق اقرار به یک مذهب و انجام فرایض آن، و بالاخره حق استفاده از یک زبان، را احصا نماید. در میان این سه نمونه در حالی که حق بهره‌مندی از فرهنگ و حق استفاده از زبان در سایر مواد میثاق به صراحت مورد توجه قرار نگرفته‌اند، حق آزادی مذهب موضوع ماده دیگری از میثاق یعنی ماده ۱۸ می‌باشد. ماده (۱) ۱۸ اشعار می‌دارد: «هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به‌طور فردی یا جماعت خواه به‌طور علنی یا در خفا، در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد» (۳۲).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که چگونه می‌توان بین قلمرو ماده ۱۸ در مورد آزادی مذهب و قلمرو ماده ۲۷ که یکی از عناصر هویتی اقلیت‌ها را حق اقرار به یک مذهب و انجام فرایض آن بر شمرده قائل به تفکیک شد. جالب است که کمیته حقوق بشر در هیچ‌کدام از اعلامیه‌های تفسیری خود جزئیات این تفکیک را روشن ننموده است.

در حالی که اعلامیه تفسیری شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر در مورد ماده ۱۸ میثاق، اجرا یا اعمال یک مذهب را به‌عنوان یکی از عناصر حق ابراز مذهب بر شمرده است (۳۳)، اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ پیرامون ماده ۲۷ اشعار می‌دارد حقوق ملحوظ در ماده ۲۷ «متفاوت و ورای سایر حقوقی هستند که هر فرد در اشتراک با دیگران تحت سایر مواد میثاق از آن برخوردار شده‌اند» (۳۴) با این وجود در حالی که اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ سعی نموده است تا خطوط تفکیکی را بین قلمرو حقوق اقلیت‌ها در برخوردارگی از هویت ملحوظ در ماده ۲۷ میثاق با سایر حقوق ملحوظ در مواد ۱، ۲(۱)، ۲۶، ۱۹، و ۱۴(۳) ترسیم نماید، هیچ‌گونه تلاشی جهت ترسیم خط تفکیکی مشابهی بین قلمرو ماده ۲۷ با ماده ۱۸ میثاق معمول نداشته است.

ضمناً همان‌گونه که قبلاً نیز عنوان شد اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ بجز یک مورد مربوط به حق برخورداری افراد بومی از سرزمین خود، هیچ توضیح دیگری در مورد عناصر دیگر بهره مندی اقلیت‌ها از فرهنگ خود نداشته است. بدین ترتیب می‌توان ادعا نمود اعلامیه تفسیری مذکور در تشریح عناصر مختلف هویتی اقلیت‌ها مندرج در ماده ۲۷ میثاق و نیز تفکیک بین حقوق حوزه ماده ۲۷ با حقوق حوزه ماده ۱۸ میثاق ناکام مانده است.

#### ۹. کاپورتوری و احصای «شناسایی» و «برخورداری از خودمختاری قضایی»

به‌عنوان دو اقدام ایجابی در جهت حمایت از هویت اقلیت‌های مذهبی

در ارتباط با آنچه فوقاً در تفکیک حوزه ماده ۱۸ با حوزه ماده ۲۷ میثاق عنوان شد، لازم به ذکر است، در حالی که عناصر ابراز مذهب در اعلامیه تفسیری شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر و با جزئیات بیشتر در اعلامیه امحای کلیه اشکال عدم تبعیض بر پایه مذهب و اعتقاد که هر دو مربوط به ماده ۱۸ میثاق هستند، فهرست شده‌اند، تنها سند سازمان ملل که به شکلی به تجزیه و تحلیل ماده ۲۷ و عناصر هویتی اقلیت‌های مذهبی پرداخته «مطالعه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی» می‌باشد که توسط کاپورتوری تهیه شد.<sup>(۳۵)</sup> کاپورتوری تحت عنوان «نظام قضایی مذهبی که توسط یک اقلیت اعمال می‌شود» فهرستی را ارائه می‌نماید که در آن به دو اقدام ایجابی در جهت حمایت از اقلیت‌های مذهبی اشاره شده است که عبارتند از: «شناسایی اقلیت‌ها» و «موضوع اعتبار قوانین و سنت‌های مذهبی که توسط یک اقلیت ابراز می‌شود»<sup>(۳۶)</sup>. این دو اقدام در فهرست مذکور در اعلامیه تفسیری شماره ۲۲ و نیز ماده ۶ اعلامیه امحای کلیه اشکال عدم تبعیض بر پایه مذهب و اعتقاد مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

درخصوص اهمیت شناسایی اقلیت‌ها، کاپورتوری اشعار می‌دارد: «آنچه باید مورد تایید قرار گیرد این واقعیت است که حمایت از اقلیت‌ها مبتنی بر آن است که موجودیت آنها به‌طور رسمی مورد شناسایی قرار گیرد»<sup>(۳۷)</sup>. وی اضافه می‌نماید: «مطمئناً چنین شناسایی در

عمل شرایط را برای اقلیت‌ها ارتقا می‌دهد و اعمال اصولی مندرج در ماده ۲۷ میثاق راتسهیل نموده، برای اعضای یک گروه اقلیت بنیاد مستحکمی جهت حمایت مؤثر از حقوق آنها که در سطح بین‌المللی تضمین شده است فراهم می‌نماید».<sup>(۳۸)</sup>

در ارتباط با اقدام دوم که می‌توان آن را «خودمختاری قضایی» نیز نام داد کاپوتورتی فهرستی از عناصر فرعی را عنوان می‌کند که عبارتند از: «مراسم ازدواج، دیگر موضوعات احوال شخصیه، رعایت تعطیلات مذهبی، تقید وجدانی بر اعتراض به خدمات نظامی، و ایراد سوگند».<sup>(۳۹)</sup> در ارتباط با به رسمیت شناختن ازدواج اقلیت‌ها کمیسیون فرعی در پیش‌نویس بیانیه امحای هرگونه نارواداری مذهبی اشعار می‌دارد: «هرکس حق دارد که مراسم ازدواجش را براساس احکام مذهب یا اعتقادش انجام دهد و هیچ‌کس نمی‌بایست به تحمل مراسم ازدواجی مذهبی که که مطابق با اعتقاداتش نیست مجبور گردد».<sup>(۴۰)</sup>

در جای دیگر در ارتباط با حق اقلیت‌ها در برخورداری از فرهنگ، کاپوتورتی به «حفاظت از عادات و سنت‌های حقوقی آنها» اشاره می‌کند. از دیدگاه او «شکی نیست که یک حفاظت موثر و کامل از فرهنگ اقلیت‌ها، حفاظت از رسوم و سنت‌های حقوقی آنها را، که بخش جدایی‌ناپذیری از روش زندگی آنها را تشکیل می‌دهد، ایجاب می‌نماید».<sup>(۴۱)</sup> وی در این زمینه بطور مثال شناسایی حقوق خصوصی اقلیت‌ها را در کشورهای افریقایی مورد توجه قرار می‌دهد.

در پایان لازم به ذکر است در ارتباط با شناسایی حق خودمختاری قضایی تنها سند لازم الاجرای بین‌المللی کنوانسیون شماره ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار در مورد مردمان بومی و قبیله‌ای می‌باشد که در آن این حق در ماده ۸ مورد تأکید قرار گرفته و در مواد ۱۲-۹ با شرح بیشتر بیان شده است.

۱۰. محدودیت‌های قانونی بر حق اقلیت‌ها در برخورداری از خودمختاری قضایی  
در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اشاره‌ای به محدودیت‌های

قانونی بر حق هویت نشده است لیکن اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ کمیته حقوق بشر اشعار می‌دارد: «هیچ‌کدام از حقوقی که در ماده ۲۷ مورد حمایت قرار گرفته‌اند نمی‌بایست به صورت و یا در گستره‌ای اعمال گردند که در عدم هماهنگی با سایر مفاد میثاق قرار گیرند»<sup>(۴۲)</sup>.

مشخصاً موضوعی که در زمینه حق برخورداری اقلیت‌ها از خود مختاری قضایی ممکن است اسباب نگرانی باشد نقض اصل عدم تبعیض می‌باشد. بر همین اساس اعلامیه تفسیری شماره ۲۳ اشعار می‌دارد که در اقدامات ایجابی دولت‌ها به نفع اقلیت‌ها «می‌بایست مندرجات مواد ۲(۱) و ۲۶ میثاق (در مورد عدم تبعیض) در ارتباط با گروه‌های مختلف اقلیت، اعضای مختلف یک گروه اقلیت و بین این اعضا و سایر افراد جامعه رعایت گردد»<sup>(۴۳)</sup>.

موضوع دیگری که به هنگام برخورداری اقلیت‌ها از خودمختاری قضایی می‌بایست مورد توجه قرار گرفته اصل «رضایت» و یا «حق انتخاب» اعضای یک اقلیت می‌باشد که آیا مایل هستند در محدوده شمول قوانین گروه خود قرار گیرند یا اینکه مایلند تحت قوانین عمومی کشور باشند.

#### ۱۱. تجربه مسلمانان در حمایت از حق هویت اقلیت‌ها

درخصوص سابقه تاریخی حمایت مسلمانان از اقلیت‌های مذهبی مایر اشاره می‌کند: «رفتار با یهودی‌ها در جوامع اسلامی وقتی با سابقه آزار و اذیت‌های مسیحیان اروپایی با یهودیان مقایسه می‌شود، به‌عنوان یک نمونه عادلانه و روشنفکرانه خودنمایی می‌کند»<sup>(۴۴)</sup>.

وی می‌افزاید: «...تاریخ گواهی می‌دهد آن مقدار از آزادی مذهبی که از سوی شریعت به غیرمسلمانانی که در جوامع اسلامی زندگی می‌کردند اهدا شد در تاریخ دیگر ادیان وجود ندارد»<sup>(۴۵)</sup>. بلفیلد نیز اشاراتی به این موضوع دارد:

«شواهد تاریخی نشان می‌دهد برخی اقلیت‌های مذهبی و مخالفین ترجیح می‌دادند تحت قوانین اسلامی زندگی کنند تا اینکه تحت ایذا و اذیت هم‌کیشان مسیحی خود در امپراتوری‌های بیزانتین و هابسبورگ قرار گیرند. بدین ترتیب در



رابطه با رواداری مذهبی به نظر می‌رسد اسلام تجربه تاریخی بهتری از مسیحیت دارد (۴۶)».

در واقع مسلمانان با به رسمیت شناختن اقلیت‌های مذهبی و قائل شدن حق خودمختاری قضایی برای آنها یکی از قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین نظام‌های حمایت از اقلیت‌ها را در جوامع اسلامی بنا نهاده‌اند، نظامی که قدمت آن به چهارده قرن قبل می‌رسد و گستره آن از غربی‌ترین نقاط اروپا در اسپانیا تا اقیانوس آرام در شرق آسیا را فرا می‌گرفته است در قرون اخیر نیز ترکان عثمانی با اجرای نظامی بنام «ملت» توانستند هویت اقلیت‌های مذهبی حاضر در جوامع چند مذهبی داخل امپراتوری به‌ویژه در مناطق اروپای شرقی، خاورمیانه و شمال آفریقا را محافظت نمایند. رویه مشابهی نیز در تاریخ مکتوب ایران لاقبل از دوران شاه عباس صفوی و به هنگام مهاجرت آرامنه شمال به سرزمین‌های مرکزی ایران وجود دارد.

از ایسن گذشته به نظر می‌رسد شناسایی حق خودمختاری قضایی برای اقلیت‌های مسلمان در برخی کشورها همچون هند، یونان و ایتوبی ناشی از همسایگی آنها با سرزمین‌های اسلامی و در واقع به‌عنوان یک عمل مستقابل در قبال شناسایی اقلیت‌های غیرمسلمان در کشورهای اسلامی بوده است.

## ۱۲. رویه نهادهای حقوق بشری و دولت‌های مسلمان در تفکیک حوزه ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از حوزه ماده ۲۷ میثاق

با وجودی که در بسیاری از کشورهای مسلمان اقلیت‌های عمده مذهبی مورد شناسایی قرار می‌گیرند و این اقلیت‌ها از نوعی خودمختاری قضایی نیز برخوردار هستند، این تمهیدات کمتر از سوی نهادهای بین‌المللی به‌عنوان یک رویه مثبت در حمایت از هویت اقلیت‌ها مورد شناسایی و یا تشویق قرار گرفته است. جالب آن است که تخصیص کرسی‌های

پارلمانی برای نمایندگان اقلیت‌های مذهبی که به‌طور نمونه در ایران، پاکستان و مصر صورت می‌گیرد و یا تخصیص برخی مقامات عالی‌رتبه دولتی برای اقلیت‌های مذهبی که به‌طور نمونه در مصر مشاهده می‌شود نیز هیچ‌گاه به‌عنوان اقدامات ایجابی در حمایت از اقلیت‌ها از سوی نهادهای حقوق بشری مورد توجه قرار نگرفته است. متأسفانه شاید همین عدم تأیید موجب شده تا در قوانین جدید افغانستان و به‌ویژه عراق تخصیص چنین کرسی‌هایی برای نمایندگان اقلیت‌های مذهبی مورد غفلت قرار گیرند، اگر چه این امر برای اقلیت‌های قومی در عراق مورد توجه واقع شده است.

با یک بررسی در گزارشات دوره‌ای کشورهای مسلمان به کمیته حقوق بشر در مورد اجرای میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی مشاهده می‌شود خود این کشورها نیز به هنگام ارائه گزارش در مورد اجرای ماده ۲۷ میثاق به اهمیت موضوع حفظ هویت اقلیت‌ها واقف نبوده، آن را با موضوع آزادی مذهبی که مربوط به ماده ۱۸ میثاق می‌باشد اختلاط نموده‌اند. در این بررسی درمی‌یابیم جمهوری اسلامی ایران و مصر تنها کشورهای مسلمان هستند که در گزارشات دوره‌ای خود به درستی بین حق خودمختاری قضایی اقلیت‌های مذهبی و ملزومات ماده ۲۷ میثاق در مورد حق هویت اقلیت‌ها ارتباط برقرار نموده‌اند.<sup>(۴۷)</sup>

### نتیجه‌گیری

حق اقلیت‌ها در برخورداری از هویت، سنگ بنای نظام بین‌المللی حمایت از حقوق اقلیت‌ها می‌باشد. در این ارتباط اگرچه موضوع عدم تبعیض همواره به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر در همه موضوعات حقوق بشری و از جمله موضوع اقلیت‌ها مطرح است، به هنگام بررسی حقوق اقلیت‌ها می‌بایست بین اصل عدم تبعیض و اصل حق اقلیت‌ها در حفظ هویتشان قائل به تفکیک شد. همچنین بین حق هویت ملحوظ در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با سایر حقوق ملحوظ در دیگر مواد میثاق و سایر اسناد حقوق بشری نیز می‌بایست تفکیک صورت پذیرد.

در این ارتباط موضوعی که در سایر تحقیقات و بررسی‌ها کمتر مورد عنایت واقع شده تفکیک بین حوزه ماده ۱۸ میثاق در مورد حقوق و آزادی‌های مذهبی با ماده ۲۷ در مورد حق هویت می‌باشد. در حیطه ماده ۲۷ مشخصاً دو اقدام ایجابی در جهت حمایت از هویت اقلیت‌های مذهبی مورد توجه کاپوتورتی، گزارشگر ویژه وقت کمیته فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها، قرار گرفته است. این دو اقدام یکی شناسایی رسمی اقلیت‌ها و دیگری پذیرش خود مختاری قضایی برای آنها است. بدیهی است چنین اقدامات ایجابی نمی‌تواند با سایر حقوق شناسایی شده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و به‌ویژه اصل عدم تبعیض در تناقض باشد.

در این میان آنچه در زمینه تجربه مسلمانان کمتر از سوی مجامع بین‌المللی حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته آن است که مسلمانان بطور تاریخی این دو اقدام را در ارتباط با حمایت از اقلیت‌های عمده مذهبی در سرزمین‌های خود اعمال داشته‌اند. نظام حمایت از حقوق اقلیت‌های مذهبی مسلمانان را می‌توان قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین نظام عرفی حمایتی حقوق اقلیت‌ها توصیف نمود. نظامی که در صورت رفع برخی کاستی‌ها می‌تواند به‌عنوان یک الگوی حمایت از حقوق اقلیت‌های مذهبی در دیگر کشورها و مناطق جهان و نیز در ارتباط با سایر انواع اقلیت‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

1. Minority Schools in Albania, Advisory Opinion of 6 April 1935, P.C. I. J Publication Series A-B, No 64, p. 17 (PCIJ Opinion).
2. PCIJ Opinion, Supra Note 1. p. 17.
3. Capotorti, Francesco (1991), Special Rapporteur of the Sub-commission on Prevention of Discriminating and Protection of Minorities, Study on the Rights of Persons Belonging to Ethnic, Religious and Linguistic Minorities (Centre for Human Rights, Geneva, United Nations, New York, p. 568.,
4. The Convention on the Rights of the Child (CRC), G.A. res. 44/25, Annex, 44 U.N. GAOR Supp, (No. 49) at 167, U.N. Doc. A/44/49 (1989), Entered into Force, (2 Sept 1990).
5. The ILO Convention Concerning Indigenous and Tribal Peoples in Independent Countries (ILO No. 169), 72 ILO Official Bull. 59, Entered into Force, 5 Sept. 1991.
6. Ibid.
7. The International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families, G.A. res. 45/158, Annex, 45 U.N. GAOR Supp, (No. 49 A) at 262, U.N. Doc. A/45/49 (1990), Entered into Force, 1 July 2003.
8. The Framework Convention for the Protection of National Minorities, ETS No. 157, Entered into Force, 2 Jan. 1998.
9. The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), G.A. res. 2200A (XXI), 21 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 52, U.N. Doc. A/6316 (1966), 999 U.N.T.S. 171, Entered into Force, 23 March 1976.
10. The CRC, Supra Note 4.

11. The Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities (the Minority Declaration), A/RES/48/138, Adopted by the UN General Assembly Resolution 47/135 of 18 Dec. 1992.

12. Ibid.

13. Human Rights Committee, General Comment 23, Article 27 (Fiftieth Session, 1994), U.N. Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.5 (1994), Reprinted in Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies, U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.6 at 158 (2003).

14. Capotorti, Supra Note 3.

15. General Comment 23, Supra Note 13, paras 6-1, 6-2.

16. Ibid, para. 9.

17. Minority Declaration , Supra Note 11.

18. Ibid.

19. Constitution of Malaysia, 31 Aug. 1957, Amended 16 Sept. 1963.

20. Fargues, Philippe (2001), "Demographic Islamization: Non-Muslims in Muslim Countries",

21 SAIS Review 2.

21. Ronen, Yehudit (1999), "Religion and Conflict in Sudan: A Non-Muslim Minority in a Muslim State", in Orfa Bengio & Gabriel Ben-Dor (eds.) Minorities and the State in the Arab World (Lynne Rienner Publishers, USA, UK), p. 85.

22. The Race Relations Act 1976 and the Race Relations (Amendment) Act 2002 is Available at: <[www.homeoffice.gov.uk/docs/racerel.html](http://www.homeoffice.gov.uk/docs/racerel.html)> and <[www.hmsa.gov.uk/si/si2003/2003/20031626htm](http://www.hmsa.gov.uk/si/si2003/2003/20031626htm)>

23. Prosecutor V. Radislav Krstic [2004] ICTY 7 (19 April 2004), Case No: IT-98-33-A,

- Prosecutor V. Blagojevic, [2001] ICTY 10 (9 Oct. 2001), Case No. IT-02-60-PT, etc.
24. Dinstein, Yoram (1992), "Freedom of Religion and the Protection of Religious Minorities", in Yoram Dinstein, (ed.) The Protection of Minorities and Human Rights (Martinus Nijhof Publishers), p. 159.
25. Capotorti, Supra Note 3, p. 99.
26. ILO Convention No. 169, Supra Note 5.
27. Adopted by the UNESCO General Conference at its fourteenth session, Paris, 4 Nov. 1996, UNESCO's Standard-Setting Instruments, IV. C. (1994).
28. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), G.A. res. 2200A (XXI), 21 U.N.GAOR Supp. (No. 16) at U.N. Doc. A/6316 (1966), 993 U.N.T.S. 3, Entered into Force, 3 Jan, 1976.
29. Thornberry, Patrick (2001), International Law and the Rights of Minorities, Oxford: Clarendon, p. 187.
30. General Comment 23 Supra Note 13.
31. General Comment 23 Supra Note 13, para 4.
32. ICCPR, Supra Note 9.
33. Human Rights Committee, General Comment 22, Article 18 (Forty-eighth Session, 1993), U.N. Doc CCPR/C/21/Rev.1/Add.4 (1993), Reprinted in Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies, U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.6 at 155 (2003).
34. General Comment 23, Supra Note 13.
35. Capotorti, Supra Note 3.
36. Ibid , pp. 66-72.

37. Ibid.

38. Ibid.

39. Capotorti, Supra Note 3, pp. 66-72.

40. Capotorti, Supra Note 3, p. 70.

41. Ibid.

42. General Comment 23, Supra Note 13.

43. Ibid.

44. Mayer, Anne Elizabeth (1999), Islam and Human Rights, Tradition and Politics. Third Edition (Westview Press, London), Mayer, p. 136.

45. Ibid.

46. Bielefeldt, Heiner (1995). "Muslim Voice in the Human Rights Debate". 17 Human Rights Quarterly 4, pp. 597-8.

۴۷. برای مصر نگاه کنید به:

Para. 482 Under Article 18 and Para. 634 Under Article 27, at: Human Rights committee: Consideration of Reports Submitted by States Parties. The combined Third and fourth Periodic Reports (Egypt), U.N> Doc. CCPR/C/EGY/2001/3 (15 April 2002).

برای ایران نگاه کنید به:

Para. 201 Under Article 18 and Paras 255 and 258 Under Article 27 at: Human Rights Committee: Consideration of Reports Submitted by States Parties, Second Report (Iran). U.N. Doc. CCPR/C/28/Add.15 (1992).



پښتونستان کالچرل اکیډمی  
پښتونستان کالچرل اکیډمی